

ار آثار موزه کابل

تشریح و تاریخ دیگ سنگی

(سنگ حصار)

که در سنه ۱۳۰۴ ش مطابق ۱۳۴۴ ق از ولایت قندهار دستیاب و در موزه

کابل شامل و حفظ شده.

این دیگ یکی از اشیای نادره تاریخی و کار نامه های اسلامی و از یادگارهای مهمه پادشاهان و امرای افغانستان گفته میشود و نظر بر وجود و صنعت آن که از یک پارچه سنگ سیاه شکلا مشابه نیم کره مجوف که دایره آن از طرف درون مستدیر و از طرف خارج مضلع مشتمل بر ۲۴ ضلع ناشی از طرف اسفل آن اندکی طولانی ساخته شده و هم از مضامین نوشته های اطراف آن که درش منطقه مقوائی بلا تطبیق یک دیگر یک عبارت طولانی بخط نیک خیلی زیبای عربی مفصل تحریر شده یک لایحه تاریخی ترقی تدبیر و تمدن مستعمرات شهر قدیمه قندهار را نشان میدهد بعضی نوشته های دیگر مذکور محو و نابود شده خصوصاً در منطقه اول از طرف لب دیگ و یک منطقه آخرین آن به کلی محو شده به همین سبب اسم بانی و واقف آن نامعلوم و مشتبه ماند و باقی نوشته های آن تا جا نیکه امکان خواندن و مفهوم شدن داشت به کمال دقت نقل نوشته های آن ثبت میشود:

نقل نوشته که در سطح محیط خارجی آن منقوش است دایره فوقانی که سطح لب دیگ مذکور گفته میشود و بعضی جاهای آن هم شکسته و بعضی محو شده آنچه مفهوم شده نوانست تحریر شود آنچه غیر ممکن بود جای آن خالی و نقطه زده شده نامعلوم باشد:

دایره سطح لب دیگ علیه الصلوات و افضل من التحیات درین ایام

خجسته فرجام توفیق عالی بافت جمال سلطنت و مملکت افضل . . .
 و والد هائی . مرجع الا کابر و الا عالی . . . شجاع . . .
منطقه اول: حضرت باری خواجه ایوب انصاری علیه الرحمه بعد ازینکه
 حضرت واقف مذکور . . . از حضرت من له الولاية . . . این را ساخته و هم از برای
 اولاد دو وقف نمود نامتولی . . . و ناظر باشند . . . آنحضرت . . . وقف کرده حضرت
 واقف مذکور بر بقاع مذکور و بر مدرسه که والد واقف مذکور بنا نموده
 و معاذی این مدرسه مذکور . . . وقف لازم گردید . . . واقع در ولایت قندهار موسوم
 به سنک حصار در جائی که حق و ملک وی بود به بیم صحیح شرعی خریده بود
 از اولاد جناب امیر مرحوم امیر نظام الدین علیکه سلطان ملازم مغفور
 سعید شاهرخ میرزا بمبلغ هزار و پنجاه . . . مثقال نقره سرد مضروب به همگی و تمامی
 قریه . . . واقع در ولایت مذکور موسوم ده روح آباد . . . جناب واقف مذکور
 . . . بیع صحیح . . . مثقال نقره از وجه حلال ضرب کرده . . . بعضی آن . . . همگی
 و تمامی (خنجلک) :

منطقه (دوم) : که زهمین نهر مذکور جناب واقف مذکور آب بدانجا برده
 احیاء نموده و همگی و تمامی (ملیکلمه) که جناب واقف مذکور از ورثه امیر
 جلال الدین فیروز شاه که ملازم استان حضرت سلطان مغفور مذکور بود به بیع
 صحیح شرعی خریده و همگی و تمامی این ده قناتی موسوم به (جک) واقع در میان
 میمند و کوشک نخود همگی و تمامی قنات چهل گزی که قریب به کوشک نخود
 واقع است و همگی و تمامی اعتاقات چهار قطعه باغ در کل این قریه قطعه (۰۰۰۰۰)
 و قطعه (ده سنکی آباد) و قطعه (ده منجوش) و قطعه (۰۰۰) و همگی و تمامی
 اعتاقات که واقف مذکور بنا کرده عشتاد و شش درد کان واقع در بازار (اوشوری)
 بدرون بلده قندهار بقرب مدرسه مذکور جانب جنوبی مدرسه و منجمله شانزده
 باب کان متصل راه گذر و دیسکر جانب غربی باراه مذکور و هفت درد کان
 جانب شرقی بازار مذکور جانب شمال مدرسه مذکور پنججاه و یک در جانب
 شرقی بازار مذکور و بیست و هفت در جانب غربی بازار مذکور بر بیست و چهار
 درد نوده سترن همگی و تمامی اعتاقات حمامی واقع در چهار سوق بازار مذکور

همگی و تمامی کاروان سرای و قع در اندرون بلده مذکور حدود جمله موقوفات و موقوف علیها در وقفیه مسطور است و جمع آنچه که از موقوفات باید شمرد و از حدود و مرافق و حقوق و ادوات مر کبه حمام مذکور و کل از قبیل موقوف فیها وقفی صحیح و صادق و جازم بحیثیقتیکه قیراط و حبه او :-

منطقه (سوم) : بخشیده نشود و بهیچ وجهی از وجوه ملک کسی نشود و جناب واقف مذکور خرابین وقف را از برای فقیرای مسلمانان گرده اند و شروط کردند واقف مذکور که متولی بقاع موقوف علیها و این موقوفات مذکوره خود باشد علی سبیل الاستقلال تامادام الحیوات هر نوع تصرفی خواهد کند و شرط کرد جناب واقف مذکور که بعد از وفات وی از اولاد ذکور وی بطناً بعد از بطن هر کدام اعلم و اصلح باشد متولی این موقوفات وی باشد و اگر دو نفر در علم و صلاح مناسری باشند اسون متولی باشد و اگر از اولاد ذکور وی هیچ بطن نماند از اولاد اثاث بهمین قانون متولی باشند و اگر از اولاد جناب واقف مذکور کسی نماند هر کسی مدرس مدرسه باشد متولی باشد و چون متولی را اولاد باشد حق المونه عشر گیرد و از غیر اولاد بقدر اجرت عمل گیرد و شرط کرد جناب واقف مذکور که علم موقوفات و اجازت کبه متغلبه بدهند و آنچه از این موقوفات حاصل شود اولاد بعمل ضروریه و مرمت این موقوفات و موقوف علیها صرف نمایند و بعد از آن آنچه بماند از این موقوفات علیها باشد از حصیر و فرش و روشنائی و غیر ذالک و آنچه از این وجوه فاضل آید از اینچه متولی بدین صرف نماید اذن برای آن که هر پنج دینار بوزن يك مثقال سکه نقره باشد :-

منطقه (۴) : و کندم سفید آب نیر مائی به کشت حکل جمده به سنگ بازار

قندهار هر خر و ار چهل من بر آید با وظایف آخند دین دار و مدرس عالم که در هر هفته پنج روز اول بدرس و مذاکره علوم شرعیه و مقدمات آن اشتغال نمایند هر مدرس هر ساله نقد دو هزار دینار و حنطه چهل خر و ار شعیر بیست خر و ار و در معیدین معیدی (۱) نقد چهار صد و هشتاد دینار و حنطه پانزده خر و ار اجوزیه دوس

دوازده نفر اعلاى آن چهار نفر هر نفرى نقره سه صد و شصت دینار و حنطه ده خروار
 و اوسط هر نفرى نقره دو بیست و چهل دینار و حنطه هفت خروار و ادنی چهار نفر
 هر نفرى نقره یکصد و هشتاد دینار و حنطه یک خروار یک امام عاقل صالح که در
 مدرسه به اقامت سلو اقامت قیام نماید هر ساله نقره سه صد و شصت دینار و کندم
 ده خروار و یک مؤذن عالم اوقات سلو اقامت نقره یکصد و هشتاد دینار و حنطه پنج خروار
 و یک خادم که بخدمت مدرسه قیام نماید نقره یکصد و هشتاد دینار کندم پنج خروار
 این وظایف مدرسه بر والد حضرت واقف مذکور اول یک مدرس و طلبه معبد و یک
 خادم بدر مدرسه حاضر باشند و به همان دستور و وظیفه گیرند وظایف مقبره
 و وظایف ایشان مصدر شود و حفاظ و امام هفت صد و بیست دینار و حنطه هشت خروار
 پنج نفر هر نفرى نقره چهار صد و هشتاد دینار حنطه چهار خروار مؤذن
 نقره صد و بیست دینار حنطه سه خروار :-

منطقه (۵) : شروط کرد حضرت واقف مذکور که يك نفر از طلبه

مدرسه خاصاً کتابدار مدرسه مذکور باشد و وظیفه بدستور دیگر
 طلبه ها بگیرد و هر کس از طلبه ها باید بیتوته کند و هر کس بیتونه نکند
 مدرس مدرسه بقدر آنچه بیتوته نکرده از وظیفه وی کسر کند و وظیفه خادمی که
 در سفاره مدرسه مذکور به آب کشی قیام نماید بدستور خادم مدرسه مذکور باشد
 و وظایف روایت (غلور) خانه بدین موجب است و وظیفه يك نفر شیخ صالح و متدین
 که از غلور خبردار بوده به مستحقان برساند هر ساله نقره سه صد و شصت دینار
 غله ده خروار و وظیفه طبایخ دو بیست (۲۵۰) و چهل دینار و وظیفه یک نفر خادم
 سه صد دینار روایت غلوری که درشش ماه زمستان خواهد بود بهار هر روزه کندم
 یک خروار گوشت چهار من نمک دو من بصل دو من (خمس خمر مر) دو من (جذر) و شلغم
 ده من و درشش ماه تابستان و . . . روز یک خروار نان بمستحقان برساند و
 همه آنچه باید بخرند و در هر سه ماه پنج من دوشاب و یکمن روغن آرد حلوا
 بزآند و ده من آرد نان بخته به مستحقان برساند :

منطقه (۶) : این منطقه خیلی مجوشده که مطلق خوانده نمی شود و بعضی کلمات

که استدلالاً مفهوم شده است در خلال آن نگاشته می شود

... و در هر عید بفقراء مدرسه ... و ظیف مسجد جامع مذکور ...
 در اندرون دیگ مذکور در بک جانب آن ابن رباعی که کتاب آن ساخته و
 مشعر تاریخ آنست نوشته می باشد رباعی این است :

کرد این چشمه بر ز شربت قند حضرت شهر با رخضر مآب / کتبه جلال الدین
 ساخت تاریخ این بدین تقریب کتاب العبد جای شربت آب

ج ای شربت آب

۱۴ ۹۰۲ ۳

۹۱۹

کمیت مقادیر دیگ مذکور :

محیط خارجی آن از لب دیگ تا ۱۶ انج - مصلع ۱۴ هر ضلع تقریباً شش و نیم
 انج مسامی ۳ فرط تقریباً می شود.

قطر محیط داخلی آن ۳ فوط ۸ انج

قطر محیط خارجی آن ۴ فوط ۳ انج

کلفتی آن که از لب دیگ گرفته شده سه و نیم انج

عمق از مرکز داخلی قطر دیگ الی نقطه دایره که معاضی لب های دیگ است

۲ فوط سه و نیم انج

عرض هر شش منطقه پشت دیگ که نوشته دارد که هر منطقه آن ۳ انج است

از لب دیگ تا جای نوشته گی آن ۱۷ انج است

از مفهومات و قراین نوشته های این دیگ معلوم می شود که ۳ سال پیش از آنکه
 با بر شاه ولایت قندهار را متصرف شود بوا سطه یکی از اشخاص بزرگ مملکت
 از امر این دیگ ساخته و پرداخته شده احتمال می دهد از جمله موقوفات
 یک مدرسه بود که والد این شخص در شهر کهنه قندهار بنا نموده و هم چنین
 بسیاری از دهات و مستملکات از قبل حمام و دکان و غیره حق را بدین مدرسه
 و مزار حضرت خواجه ابوب انصاری (رح) رقف نموده و متولی این موقوفات
 و بقاع موقوف علیها اولاد خود را بطناً بعد از بطن قرار داد چنانچه بعضی تشریحات

وقف نامه مذکور در ظهر دیکه ضبط شده چون بعضی نوشته های دیکه محورنا بوده شده اسم واقف آن مشخص نمی شود. اما آنچه از نوشته های مذکور با تنهای دقت خوانده شد نوشته نامتقبعین مادر آئی نظر به بعضی اسمای رجال و مواضع که در آن مذکور شده و مرور زمان اسمای مواضع را تغییر داده معلومات بیشتر درین باره بتوانند و بمنصه اشاعه بگذارند خصوصاً ادبا و نویسندگان محترم ولایت قندهار و وطن عزیز که از جغرافیائیر وضعیت موجوده آنولا معلومات کافی دارند و از گذشته آنرا هم از مطالعات عمیق خود میتوانند نظر با اسمای مذکور معلوماتی نمایند و نیز ممکن است این قبیل وقف نامه ها در بسی تذکره و کتب ثبت باشد بلکه از احتیالات است کتابی از موثقین آنوقت بنام ثبت موقوفات مانده باشد که بملاحظه نرسیده و مدققین بتوانند همچو کتابی بدست آرند تا اسم واقف و غیره تشریحات این دیکه که از آثار مهمه است در صفحات مطبوعات واضح شده و بزوایای تاریخ آنولا یرتوی اندازد.

محمد ابراهیم خلیل

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی